

خانواده و مقام زن از نگاه ولایت

روز زن، یعنی نگاه درست و مبتنی بر منطق به زنان، که نیمی از جمعیت بشر را تشکیل می‌دهند؛ آن هم نیمی که اگر نگاه کاوشگر انسان بخواهد ...



روز زن، یعنی نگاه درست و مبتنی بر منطق به زنان، که نیمی از جمعیت بشر را تشکیل می‌دهند؛ آن هم نیمی که اگر نگاه کاوشگر انسان بخواهد نقش آن را با نقش‌های دیگر مقایسه کند، خواهد دید که نقش این نیم، حساس‌ترین، ظریف‌ترین و مؤثرترین نقش‌ها در حرکت تاریخ انسان و در سیر بشریت به سوی کمال است. خدا زن را این‌گونه آفریده. اگر بنای آفرینش انسان و جهان را به دو بخش کارهای ظریف و ریزه‌کاری و بخش کارهای مستحکم - و به تعبیر سازندگان بناها، سفتکاری - بگذاریم، بخش اول که ظریف‌کاری‌ها و ریزه‌کاری‌ها و رشته رشته پروردن احساسات و عواطف بشر است، در اختیار زن است. گناه بزرگ تمدن مادی، تضعیف و گاهی به فراموشی سپردن این نقش است. هرچا سخن از تضعیف خانواده است، نقش این بخش مهم نادیده گرفته شده. هرچا سخن از بی‌اعتنایی به هنر مادری و هنر تربیت فرزند در آغوش پُر مهر و محبت مادر است، این نقش نادیده گرفته شده. دنیای غرب این جرم بزرگ را دارد که این نقش را تضعیف کرده و در مواردی نادیده گرفته است. بخشی از بزرگی این گناه به این مربوط است که این حرکت فاجعه‌آمیز را با نام «حمایت از زن» انجام می‌دهد؛ در حالی‌که این حمایت از زن نیست؛ این خیانت به زن و خیانت به انسان است. نقش مادر از دوران حمل و بارداری شروع می‌شود و تا آخر زندگی انسان ادامه دارد. مردی که به دوران جوانی رسیده یا از دوران جوانی هم عبور کرده، باز تحت تأثیر عذوق و محبت و شیوه‌های خاص مادرانه‌ی مادر است. اگر زنان ما از لحاظ رتبه‌ی معرفتی و بینش و معلومات، سطح خود را ارتقاء دهند، این نقش با هیچ نقش دیگری، با هیچ مؤثر دیگری از مؤثرات فرهنگی و اخلاقی تا آخر قابل مقایسه نیست. یک وقت مادری از لحاظ معرفت سطح‌اش پایین است؛ البته این نمی‌تواند در دوران بزرگی اثرگذاری کند؛ این گناه کم بودن معلومات یک انسان است؛ این نقص تأثیر مادری نیست. مادر است که فرهنگ و معرفت و تمدن و ویژگی‌های اخلاقی یک قوم و جامعه را با جسم خود، با روح خود، با خلق خود و با رفتار خود، دانسته و ندانسته به فرزند منتقل می‌کند.

همه تحت تأثیر مادران هستند. آن که بهشتی می‌شود، پایه‌ی بهشتی شدنش از مادر است؛ که «الجنة تحت اقدام الأمهات». البته نقش زن به عنوان همسر هم داستان بسیار طولانی دیگری است. دنیایی که زن را از داخل خانواده جدا می‌کند و با وعده‌های توهم‌آمیز بیرون می‌کشد و او را در مقابل نگاه و حرکت هرزه‌ی جامعه، بی‌پناه و بی‌دفاع می‌کند و میدان را برای تعرض به حقوق او باز می‌کند، هم زن را تضعیف می‌کند، هم خانواده را نابود می‌کند، هم نسل‌های آینده را به خطر می‌اندازد. هر تمدن و هر فرهنگی که این منطق را داشته باشد، دارد فاجعه ایجاد می‌کند؛ و این امروز در دنیا اتفاق افتاده است و روزبه‌روز هم دارد بیشتر می‌شود. و به شما عرض کنم؛ این از آن سیل‌های خطرناکی است که آثار تخریبی آن در بلندمدت ظاهر می‌شود و بنای تمدن غرب را در هم خواهد کوبید و فرو خواهد ریخت. در کوتاه مدت چیزی فهمیده نمی‌شود؛ اینها چیزهایی است که صد ساله و دویست ساله خودش را نشان می‌دهد؛ و نشانه‌های این بحران‌های اخلاقی در غرب الان دارد بروز می‌کند.

اسلام به معنای واقعی زن را تکریم کرده است. اگر روی نقش مادر و حرمت مادر در درون خانواده تکیه می‌کند، یا روی نقش زن و تأثیر زن و حقوق زن و وظایف و محدودیت‌های زن در داخل خانواده تکیه می‌کند، به‌هیچ‌وجه به معنای این نیست که زن را از شرکت در مسائل اجتماعی و دخالت در مبارزات و فعالیت‌های عمومی مردم منع کند. عده‌ی بد و یا کج فهمیدند؛ یک عده‌ی مغرض هم از این کج‌فهمی استفاده کردند؛ گانته یا باید زن، مادر خوب و همسر خوبی باشد یا باید در تلاش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی شرکت کند؛ قضیه این‌طوری نیست؛ هم باید مادر خوب و همسر خوبی باشد، هم در فعالیت اجتماعی شرکت کند. فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) مظهر چنین جمعی است؛ جمع بین شوون مختلف. زینب کبری نمونه‌ی دیگر است. زن‌های معروف صدر اسلام و زن‌های برجسته، نمونه‌های دیگرند؛ اینها در جامعه بودند و حضور داشتند. نفهمیدن مفهوم تکریم زن در اسلام، همراه شده است با بدآموزی‌های الفاء شده‌ی به عنوان تکریم زن در تمدن غرب؛ اینها با هم آمیخته شده و یک جریان غلط ذهنی و فکری به‌وجود آورده. زن در داخل خانواده، عزیز و مکرم و محور مدیریت درونی خانواده است؛ شمع جمع افراد خانواده است؛ مایه‌ی انس و سکینه و آرامش است. کانون خانواده - که حوضچه‌ی آرامش زندگی پُرچالاش و پُر‌تلاش هر انسانی است - به وجود زن آرام می‌گیرد و سکینه و اطمینان پیدا می‌کند. آن وقت نقش او به عنوان همسر، به عنوان مادر، به عنوان دختر خانواده، هر کدام یک فصل طولانی در تکریم دارد. بنابراین حقیقتاً باید در زمینه‌ی ارزش و کرامت زن در نظر اسلام، بازنویسی و بازبینی کرد.

مطلب دیگر این است که ما این بزرگوار را با زبان‌های ناقص خودمان توصیف می‌کنیم. امروز هم شعرای عزیز ما همین مضمون را بارها تکرار کردند، که ما با این بیان ناقص و با این دید قاصر، فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) را توصیف می‌کنیم. این دید، ناظر به آن مقامات معنوی نیست. چون به آنها دسترسی نداریم، آنها را نمی‌فهمیم و درک نمی‌کنیم. گاهی تعبیراتی گفته می‌شود که خیلی هم دقیق نیست. مثلاً «عرش خدا زیر پای تو» یعنی چه؟ عرش خدا چیست؟ اینها خیلی روشن نیست؛ همین‌طور یک تعبیری است. چون می‌خواهند تکریم و تعظیم کنند، اما واقعیت مطلب در ذهن کوچک ما نمی‌گنجد، از چنین تعبیراتی استفاده می‌شود؛ گاهی خوب است، گاهی هم خوب نیست؛ گاهی درست است، گاهی هم درست نیست.

بخشی از قضیه برای ما قابل فهم است. من می‌خواهم روی نکته‌ی کوتاهی از این بخش تکیه کنم. من می‌خواهم عرض کنم که ارزش فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) به عبودیت و بندگی خداست. اگر بندگی خدا در فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) نبود، او صدیقه‌ی کبری نبود. صدیق یعنی چه؟ صدیق کسی است که آنچه را می‌اندیشد و می‌گوید، صادقانه در عمل آن را نشان دهد. هرچه این صدق بیشتر باشد، ارزش انسان بیشتر است؛ می‌شود صدیق؛ «اولئک مع الذین انعم الله علیهم من النبیین و الصدیقین». «صدیقین» پشت سر «نبیین» اند. این بزرگوار صدیقه کبری است؛ یعنی برترین زن صدیق. این صدیق بودن به بندگی خداست. اگر بندگی خدا نمی‌کرد، صدیقه‌ی کبری نمی‌شد. اساس، بندگی خداست. نه فقط فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها)، بلکه پدر فاطمه هم - که مبدأ و سرچشمه‌ی فضائل همه‌ی معصومین اوست و امیرالمؤمنین و فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) قطره‌هایی هستند از دریای وجود پیغمبر - ارزشش پیش خدا به خاطر عبودیت است؛ «اشهد ان محمداً عبده و رسوله»؛ اول، عبودیت اوست؛ بعد رسالت او. اصلاً رسالت - این منصب والا - به او داده شد، به خاطر عبودیت؛ چون خدا صنیع دست و مخلوق خود را می‌شناسد. مگر در زیارت حضرت زهرا عرض نمی‌کنیم: «امتحنک الله الذی خلقک قبل ان یخلقک»؟ در علم خدای متعال معلوم است که عمل من و شما چیست. ما در مقابل گناه و هوس و پول و نام نیک قرار می‌گیریم؛ آیا به‌خاطر به‌دست آوردن اینها حاضریم از شرف و ایمان و تکلیف خود و امر و نهی الهی درباره‌ی خود صرف‌نظر کنیم یا نه؟ این اختیار ماست.

چه راهی را انتخاب خواهیم کرد؟ وقتی گفتن سخنی برای انسان ضرر مادی دارد، وقتی حرکتی هوس‌های گناه‌آلود انسان را برآورده می‌کند، ما سر دو راهی قرار می‌گیریم. کدام راه را انتخاب خواهیم کرد؟ راه هوس و گناه و پول را، یا راه پاکدامنی و تقوا و بندگی خدا را؛ یکی از این دو را انتخاب خواهیم کرد. انتخاب و اختیار ماست، اما خدای متعال می‌داند که ما چه راهی را اختیار خواهیم کرد؛ این در علم الهی هست. اگر شما انسانی هستید که این قدرت در شما وجود دارد که در مقابل کوهی از ارزش‌های مادی و برآورنده‌ی هوس‌ها محکم بایستید و تکان نخورید، خداوند برای شما شایستگی‌هایی در نظر می‌گیرد. «و مریم ابنة عمران التي احصنت فرجها فنحننا فيه من روحنا»؛ خدای متعال بیهوده به مریم این قدر لطف نمی‌کند. این، کلام قرآن است. او با همه‌ی وجود پاکدامنی خود را حفظ کرد، لذا شایسته‌ی این شد که مادر عیسی شود. حضرت یوسف در عین جمال و جوانی و برخورداری از عزت مادی در خانه‌ی عزیز مصر، روی هوس خود پا گذاشت؛ لذا شایسته‌ی مقام والا‌یی شد که خدا به او داد؛ یعنی پیغمبری. خدا این را می‌داند که این بنده چنین جوهری دارد و این چنین اراده‌ی خود را صرف راه او خواهد کرد؛ لذا برای او مسؤولیت‌های بزرگ و سنگین دیگری - که هر کدام باز به نوبه‌ی خود اجرهای بزرگی دارد - در نظر می‌گیرد. «امتحنک الله الذی خلقتک قبل ان یخلفک فوجدک لما امتحنک صابرة»؛ خدای متعال می‌داند که فاطمه‌ی زهرا در دوران زندگی چگونه انتخاب و اختیار خواهد کرد و چگونه قدم خواهد برداشت. عبودیت خدا معیار است. این شد برای ما خط روشن.

برادران و خواهران عزیز! من و شما باید دنبال عبودیت خدا باشیم. تمجید از فاطمه‌ی زهرا نتیجه‌اش باید این باشد. شما برادران عزیز مداح کسانی هستید که از زبان و حنجره‌ی شما امواج نورانی و معطر مدیحه‌ی دختر پیغمبر و ائمه‌ی هدی (علیهم‌السلام) ساطع می‌شود و در دل مخاطباتان می‌نشیند؛ این خیلی ارزش است. الان بیست و چند سال است که ما این جلسه را با همین دوستان آقای سازگار و بقیه‌ی دوستان داریم؛ به نظرم از سال 62 و 63 این جلسه هر سال در چنین روزی برگزار است. من بارها این مطلب را به شما عرض کرده‌ام که ترتیب مداحی و منبر مداحی یکی از باشرف‌ترین رتبه‌ها و منبرهاست. در این زمینه ما خیلی صحبت کرده‌ایم، که دیگر نمی‌خواهیم تکرار کنیم. امروز هم بحمدالله اقبال مردم و جوان‌ها به نوای مداحان، اقبال خوبی است. می‌بینید مردم، استقبال می‌کنند، علاقه نشان می‌دهند، اجتماع می‌کنند، صحبت می‌کنند، پول می‌دهند؛ این یک موقعیت است. موقعیت وقتی حساس شد، وظیفه حساس و خطیر می‌شود. اول جلسه، قاری عزیزمان آیاتی را تلاوت کردند که خیلی مهم است و من چند آیه قبل از آن را عرض می‌کنم. «یا نساء النبی من یأت منکن بفاحشة مبینة یشاقق لها العذاب ضعفین» - خطاب به زنان پیغمبر است - هر که از شما گناه کند، عذابش دو برابر است. چرا؟ زن پیغمبر چون زن پیغمبر است، اگر گناه کرد، عذابش دو برابر است. «و کان ذلک علی الله یسیرا». «و من یقنت منکن لله و رسوله و تعمل صالحا نؤتها اجرا مرتین»؛ آن طرف قضیه هم همین‌طور است؛ اگر عبادت کردید، اگر کار خوب کردید، اگر عمل صالح انجام دادید، دو برابر مردم دیگر به شما اجر می‌دهیم. یعنی نماز زن پیغمبر به‌طور معمولی دو برابر نماز دیگران اجر دارد؛ عبادتش دو برابر عبادت دیگران اجر دارد. اگر هم خدای نکرده غیبت کسی را بکند، غیبتش دو برابر غیبت دیگران گناه دارد. بعد، آیه‌ی که این قاری خواندند، از این‌جا شروع می‌شود: «یا نساء النبی لستن کأحد من النساء إن اتقین»؛ شما اگر تقوا پیشه کنید، مثل دیگر زنها نیستید؛ از بقیه‌ی زنها دیگر امتیاز دارید. آن وقت بعد دنباله‌اش می‌فرماید: «فلا تخصن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض و قلن قولا معروفا». این، خطاب به زنها پیغمبر است. اما زنها پیغمبر خصوصیتی ندارند؛ خصوصیت زنها پیغمبر، انتصاب به پیغمبر است. من و شما هر کدام انتصاب بیشتر و موقعیت خطیر و ممتازی در جامعه داشته باشیم، همین خصوصیت در ما هم هست. البته نمی‌گوییم دو برابر - این را ادعا نمی‌کنم - اما با دیگر مردم فرق داریم، و من از شما بیشتر. اگر ما خطایی انجام دهیم، خطای ما مثل خطای مردم عادی نیست؛ سنگین‌تر و سخت‌تر است. اگر ما خدای نکرده کسی را به وادی ضلالت و گمراهی انداختیم، با عمل مشابه دیگری تفاوت دارد. مداح‌ها بدانند چه می‌خوانند و چه می‌گویند. صدای خوش، آهنگ قشنگ، موقعیت ممتاز، تریبون خوب، اقبال فراوان؛ امروز هم که جوان‌ها بحمدالله جامعه و کشور ما را با صفای دل خودشان مصفا کرده‌اند - این همه جوان در این کشور وجود دارد - همه متوجه شماست. شما چه می‌خواهید به مردم بدهید؟ این‌که من همیشه روی آنچه می‌خوانید و آن‌چنان که می‌خوانید - در جلسه‌ی مداح‌ها و با افراد گوناگون - تأکید می‌کنم، به خاطر این

حساسیت است

خانواده و مقام زن از نگاه مقام معظم رهبری